

روزنامه جوان | شماره ۷۶۰۶ |

روزنامه جوان | شماره ۷۶۰۶ |

در برهه‌ای که تاریخ منطقه بسا خونبارترین تجاوز نظامی جبهه استکبار علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران رقم خورده است، اقدام رژیم بحرین در سلب تابعیت گسترده شهروندانش و شکستجه منجر به شهادت آزادگان، فراتر از یک سرکوب داخلی، به مثابه همدستی در جنایت علیه بشریت جلوه می‌کند. همانطور که طبق تمام موازین حقوقی، ایران اسلامی قربانی یک تجاوز آشکار شده و حمایت از آن، تکلیفی اخلاقی و انسانی برای هر وجدان بیداری است، باید در مقابل رژیم منامه نیز که با ترور بیسم اداری و قصابی حقوقی، تابعیت را به ابزاری برای سسرکوب سیاسی شهروندانش تبدیل کرده است، برخورد شود.

■ ■ ■

برای درک عمق فاجعه حقوقی در بحرین، ابتدا باید ماهیت جنگ فعلی را تبیین کرد. بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران پس از تجاوز رژیم امریکا و نیروی نیابتی‌اش، رژیم موقت صهیونیستی، در اسفند ۱۴۰۴، در مقام دفاع مشروع قرار گرفت. در چنین بستری، حمایت شهروندان سایر کشورها، به‌ویژه ملل مسلمان از ایران، تجلی آزادیگی و عمل به تکلیف انسانی در برابر متجاوز است. اما رژیم بحرین با جرم‌انگاری این همبستگی، در واقع حق دفاع از مظلوم را جرم‌انگاری کرده است. سلب تابعیت ۶۹ نفر به دلیل ایستادن در سمت درست تاریخ، دهن کجی به بند ۱، ماده ۱ منشور ملل متحد در حفظ عدالت است.

■ سلب تابعیت توده‌های نقض حق بر هویت است
تابعیت در حقوق مدرن، که هبه از سوی حاکم نیست که هر زمان اراده کند بازپس گیرد، بلکه پیوندی ساختاری میان فرد و دولت است. ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً می‌گوید: «هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود محروم کرد.» اقدام منامه در سلب تابعیت توده‌های مصداق بارز خودسری بوده و در زمانی که به نفع دشمنان اسلام و استقلال شهروندانش تلقی می‌شود، خود نوعی جنایت علیه مردم مقام و مظلوم است. وقتی رژیم بحرین بدین دادرسی عادلانه و تنها بر اساس گزارش‌های امنیتی مبنی بر حمایت از ایران، شناسنامه شهروندان خود را ابطال می‌کند، در واقع به پاکسازی هویتی دست زده است و این افراد در خاک خود به بیگانه تبدیل شده‌اند که این وضعیت، پست‌ترین شکل برخورد

بامداد ۱۲ اسفندماه سال گذشته، اقیانوس هند شاهد یکی از هولناک‌ترین و پیچیده‌ترین جنایات جنگی قرن حاضر بود. حمله عمدی و سازمان‌یافته زیردریایی شارلوت متعلق به نیروی دریایی تروریستی امریکا به ناوچه ایرانی دنا که در حال بازگشت از یک مأموریت صلح آمیز بین‌المللی بود، منجر به شهادت ۱۰۴ تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم شد. این فاجعه در میدان نبرد نبود، بلکه در مسیر بازگشت از یک رزمایش دیپلماتیک رخ داد و تمامی موازین اخلاقی و قانونی در بانوردی رازپرو با گذاشت.

■ ■ ■

نخستین لایه از این جنایت هولناک به ماهیت مأموریت ناوچه دنسا بازمی‌گردد. این شناور به دعوت رسمی نیروی دریایی هند و برای شرکت در رزمایش بین‌المللی میلان ۲۰۲۶ راهی اقیانوس هند شده بود. طبق قوانین عرفی حقوق بین‌الملل هنگامی که یک دولت از شناورهای نظامی سایر کشورها برای شرکت در یک مراسم یا رزمایش مشترک دعوت می‌کند، نوعی مصونیت و تعهد به امنیت عبور و مرور ایجاد می‌شود. ناوچه دنا در شرایطی هدف قرار گرفت که هیچ نقش عملیاتی در جبهه‌های جنگ نداشت و پس از پایان رزمایش در حال گذر عادی از آب‌های بین‌المللی بود. نکته تکان‌دهنده این است که طبق ضوابط رزمایش میلان، تمامی کشتی‌های شرکت‌کننده ملزم به تخلیه تسلیحات دفاعی سنگین از جمله اژدر و موشک بودند. بنابراین دنا در وضعیت کاملاً غیرمسلح و تشریفاتی هدف قرار گرفت. رژیم امریکا که خود نیز در این رزمایش حضور داشت با آگاهی کامل از وضعیت بی‌دفاع بودن ناوچه ایرانی دست به ماشه زد که این اقدام در حقوق بین‌الملل مصداق بارز غدر یا حیله جنگی است.

■ مهندسی مرگ با راهبرد شلیک دوگانه
بنیادی‌ترین مستند حقوقی برای اثبات جنایت جنگی در این پرونده فاصله زمانی ۹۰ دقیقه‌ای بین دو شلیک است. گزارش‌های متفن و شهادت بازماندگان نشان می‌دهد که اولین اژدر در ساعت ۳:۳۵ بامداد به بدنه کشتی برخورد کرد و تنها باعث از کار افتادن سیستم رانش و توقف ناوچه شد. از کار افتادن سیستم‌های چهار گانه ژنو، این مرحله طبق کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو، خدمه کشتی به عنوان افراد خارج از رزم شناخته

حقوقی یا یک انسان در قرن بیست‌ویکم است.

■ تحلیل ماده ۱۷ قانون اساسی بحرین در ترازوی عدالت
رژیم بحرین با استناد به قوانین داخلی خود، این افراد را به عدم وفاداری متهم می‌کند، اما از منظر حقوق عمومی، وفاداری به وطن به معنای سکوت در برابر جنایات متجاوزین خارجی نیست. شهروندان بحرینی که از ایران حمایت کرده‌اند، در واقع به ارمان‌های والای امت اسلامی وفادار بوده‌اند. استفاده ابزاری از قانون برای خفه کردن صدای آزادگان، سوءاستفاده از حق محسوب می‌شود. در کثرترین حقوقی، هر گاه قانونی برای هدفی غیر از آنچه برای آن وضع شده تأمین نظامی عمومی واقعی) به کار رود، وجاهت خود را از دست می‌دهد. سلب تابعیت در اینجا نه برای امنیت ملی، بلکه برای خوش‌خدمتی به‌جبهه متجاوز (رژیم تروریستی امریکا و رژیم تروریستی منحوس اسرائیل، علیه مردم خود صورت گرفته است.

■ شکنجه منجر به شههادت و عبور از مرز قواعد آمره
گزارش شهادت یک شهروند بحرینی زیر شکنجه به دلیل مواضع عزتمندانه‌اش در قبائل ایران،

به دلیل مواضع عزتمندانه‌اش در قبائل ایران،

قلب هر حقوقدانی را به درد می‌آورد. ممنوعیت

شکنجه در حقوق بین‌الملل یک قاعده آمره است، یعنی هیچ قانون، دستور یا وضعیت جنگی نمی‌تواند آن را توجیه کند. این جنایت، نقض صریح کنوانسیون منع شکنجه (UNCAT) است که بحرین ملزم به رعایت آن است. شهادت تحت شکنجه، طبق اساسنامه رم نیز می‌تواند در زمره جنایت علیه بشریت قرار گیرد، زیرا بخشی از یک حمله سیستماتیک و گسترده علیه غیرنظامیانی است که مخالف سیاست‌های جنگ‌طلبانه دولت هستند. مسئولیت این خون، مستقیماً بر عهده حاکمان مرتجع و دستگاه امنیتی رژیم بحرین است که اجازه داده‌اند سلول‌های زندان‌ها به قتل آزادگان تبدیل شود. **■ جرم‌انگاری آزادیگی، بدعتی خطرناک در حقوق بین‌الملل**
آنچه در بحرین رخ می‌دهد، مجازات اخلاق است. شهروندانی که در اوج جنگ با وجود خطرات جانی، از ایران (قربانی تجاوز) حمایت کردند، عالی‌ترین سطح آزادیگی را به نمایش گذاشتند. از منظر حقوق بشر، آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) شامل حق ابراز همبستگی با ملت‌های تحت ستم نیز می‌شود. رژیم بحرین با سرکوب این افراد، در حال بی‌ریزی یک آیازاید سیاسی است که در آن شهروندانی که بر چسب درجه ۲ خورده‌اند (یعنی شیعیان و حامیان مقاومت) از کمترین حقوق انسانی محروم می‌شوند و در نتیجه این مهم، بنیان‌های مشروعیت حاکمیت فرو می‌ریزد.

■ بی‌تابی، ابزار نوین شکنجه سفید
سلب تابعیت از ۶۹ نفر، آنها را در وضعیت بی‌تابیتی قرار می‌دهد. طبق کنوانسیون ۱۹۶۱

رژیم بحرین حق دفاع از مظلوم را جرم‌انگاری کرده است!

قصابی حقوق بشر در تارپکخانه‌های رژیم منامه

رژیم منامه با ترور بیسم اداری و قصابی حقوقی، تابعیت را به ابزاری برای سرکوب سیاسی شهروندان آزاده خود تبدیل کرده است



هستند. مسئولیت این خون، مستقیماً بر عهده حاکمان مرتجع و دستگاه امنیتی رژیم بحرین است که اجازه داده‌اند سلول‌های زندان‌ها به قتل آزادگان تبدیل شود.

■ جرم‌انگاری آزادیگی، بدعتی خطرناک در حقوق بین‌الملل
آنچه در بحرین رخ می‌دهد، مجازات اخلاق است. شهروندانی که در اوج جنگ با وجود خطرات جانی، از ایران (قربانی تجاوز) حمایت کردند، عالی‌ترین سطح آزادیگی را به نمایش گذاشتند. از منظر حقوق بشر، آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) شامل حق ابراز همبستگی با ملت‌های تحت ستم نیز می‌شود.

رژیم بحرین با سرکوب این افراد، در حال بی‌ریزی یک آیازاید سیاسی است که در آن شهروندانی که بر چسب درجه ۲ خورده‌اند (یعنی شیعیان و حامیان مقاومت) از کمترین حقوق انسانی محروم می‌شوند و در نتیجه این مهم، بنیان‌های مشروعیت حاکمیت فرو می‌ریزد.

■ بی‌تابی، ابزار نوین شکنجه سفید
سلب تابعیت از ۶۹ نفر، آنها را در وضعیت بی‌تابیتی قرار می‌دهد. طبق کنوانسیون ۱۹۶۱

سرویس اجتماعی ۰۶۰۸۸۵۲۳

مربوط به کاهش بی‌تابیتی، دولت‌ها موظفند از ایجاد چنین وضعیتی اجتناب کنند. فرد بی‌تابیت در بحرین حق درمان، حسق تحصیل برای فرزندان و حتی حق تعدین در خاک خود را نخواهد داشت. این یک مرگ تدریجی است که رژیم بحرین آگاهانه برای تنبیه مردم خود به جرم حمایت از ایران و حق برگزیده است. این اقدام به مثابه راندن اسنا‌ها به ناکجاآباد حقوقی است تا هیچ مرجع قضایی نتواند از آنها حمایت کند.

■ مسئولیت بین‌المللی رژیم بحرین و ضرورت دادرسی جهانی

براساس قواعد مسئولیت بین‌المللی دولت، اقدامات نهادهای امنیتی و قضایی بحرین، مستقیماً به حساب دولت این رژیم نوشته می‌شود. با توجه به اینکه ایران تحت تجاوز قرار گرفته، هر گونه اقدام رژیم بحرین در تضعیف حامیان ایران و تقویت جبهه متجاوز می‌تواند به عنوان معاونت در تجاوز تلقی شود. جامعه حقوقی ایران و جهان باید از طریق دیوان کیفری بین‌المللی (در صورت احراز صلاحیت) یا از طریق سازوکارهای شورای حقوق بشر، علیه مقامات رژیم بحرین اقدامه دعوا کنند. خون شهیدی که زیر شکنجه ریخته و شناسنامه‌هایی که به ناحق باطل شده‌اند، اسناد محکومیت رژیمی است که هویت ملی خود را به دل‌رهای استکباری فروخته است.

■ همسویی منامه با محور صهیونیستی
زمانی که موشک‌های متجاوزین، قلب ایران را نشانه رفته‌اند، تیغ سلب تابعیت شهروندان آزاده بحرین نیز همان هدف ساکت کردن صدای مقاومت را دنبال می‌کند. این هماهنگی میان میدان جنگ و دادگاه‌های رژیم بحرین نشان می‌دهد سلب تابعیت ها نه یک اقدام اداری، بلکه بخشی از نقشه کلی جنگ علیه ایران است. آزادگانی که در بحرسن هزینه می‌دهند، در واقع بخشی از خط مقدم دفاع از حق هستند و برخورد با آنها، نقض حقوق اسرای جنگی و غیرنظامیان در پوششی قانونی است.

■ خیانت به عهد برادری

از منظر حقوق اسلامی که پایه بسیاری از قوانین کشورهای منطقه است، عقد مواطنه (حقوق شهروندی) نباید با ابراز عقیده حق‌طلبانه رایج شود. رژیم بحرین با این اقدام، عقد ذمه و امان خود با شهروندانش را شکسته است. حمایت از ایران مظلوم در برابر استکبار از اوج واجبات در فقه سیاسی بین‌المللی است. بنابراین اقدامات رژیم بحرین از منظر شرعی نیز باطل و ناروا تلقی می‌شود.

همچنین فشارهای دیپلماتیک واشنگتن بر دولت سريلانکا برای جلوگیری از بازگرداندن پیکر شهدا لایه دیگری از نقض حقوق بشر را نمایان می‌کند. خانواده‌های قربانیان طبق قوانین جهانی حق دارند از سرنوشت عزیزان خود مطلع شوند و پیکر آنها را برای تدفین بازپس گیرند. ممانعت از بازگشت پیکر ۲۰ شهیدی که همچنان در اعماق آب‌ها باقی مانده‌اند، تعرض مستقیم به کرامت انسانی و حقوق بنیادین خانواده‌های داغدار است.

■ مطالبات حقوقی و ضرورت پیگرد جنابان
ستاد حقوق بشر با استناد به مستندات مذکور رژیم امریکا و مقامات نظامی ذی‌بطر را مسئول مستقیم این فاجعه می‌داند. در این مسیر سه مطالبه اساسی در دستور کار قرار دارد: نخست محکومیت رسمی این اقدام به‌عنوان جنایت جنگی در شورای حقوق بشر و سازمان ملل متحد است. دوم، ثبت‌نام فرماندهان امریکایی و آمران این حمله در فهرست جنایتکاران جنگی بین‌المللی برای تعقیب کیفری در دادگاه‌های صالحه است. سومین مطالبه حقوقی، ففسار بر رژیم امریکا برای صدور عذرخواهی رسمی و پرداخت غرامت کامل مادی و معنوی به دولت ایران و خانواده‌های شهیداست. اژدر دوم به ناوچه دنا در واقع شلیکی به قلب حقوق بین‌الملل و امنیت دربانوردی جهانی بود. اگر این جنایت بدون پاسخ بماند، دیگر هیچ معاهده بین‌المللی و هیچ دعوت‌نامه صلح‌آمیزی در دریاها اعتبار نخواهد داشت.

■ پایان نافرجام و حق دفاع مشروع

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد ذاتی و مشروع خود را برای پاسخ متناسب به این تعدی نظامی محفوظ می‌دارد. حمله به ناو جنگی که نماد حاکمیت یک کشور در آب‌های آزاد است به منزله تجاوز به تمامیت ارضی می‌شود. خون ۱۰۴ شهید ناوچه دنا سندی زنده بر وحشی‌گری مدرن است که در آن قواعد جنگی به نفع تروریسم دولتی کنار گذاشته شده است. جامعه حقوقی ایران و جهان موظف است با تبیین دقیق این جنایت از پایمال شدن حقوق انسانی در یادلانی که در راه صلح و دیپلماسی قدم برداشتند، جلوگیری کند. این پرونده تا روز محاکمه نهایی عاملان زیردریایی شارلوت در پیشگاه عدالت باز خواهد ماند و تاریخ جنایت با کارشکنی و تعلل در پذیرش ناو عملاً راه را برای جنایت زیردریایی امریکا هموار کرد.

شنبه ۲ خرداد ۱۴۰۵ | ۶۵ ذی‌الحجه ۱۴۴۷

حتماً برات سؤال شده که

❓ چرخ بیمه خودرو در جنگ تا کجا می‌چرخد؟

جنگ تحمیلی سوم از سوی دشمن امریکایی-صهیونی علاوه بر آسیب به منازل مسکونی به خودروهای شخصی و امدادی نیز آسیب زد، اما مالکان خودروهای آسیب‌دیده تا کجا می‌توانند از حمایت‌های بیمه برخوردار شوند؟ پاسخ به این سؤال در لایه‌ای مواد قانون بیمه ایران نهفته است که میان «حوادث عادی» و «مخاطرات جنگی» مرزی باریک، اما تعیین‌کننده کشیده‌است.

❓ «اصل غرامت» در شرایط عادی

در شرایط عادی، رابطه میان مالک خودرو و شرکت بیمه بر مبنای قرارداد و قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ استوار است. طبق ماده ۱ این قانون، بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف متعهد می‌شود در ازای پرداخت وجهی، خسارت وارده بر طرف دیگر را جبران کند.

۱. **بیمه بدنه و مسئولیت مطلق در حوادث:**

در شرایط عادی، طبق ماده ۳ قانون بیمه، هر حادثه‌ای که منجر به خسارت شود (اعم از تصادف، واژگونی، آتش‌سوزی و سرفت)، شرکت بیمه را ملزم به جبران خسارت تا سقف سرمایه بیمه شده می‌کند. در اینجا اصل بر جبران کامل است تا وضعیت مالی زیان‌دیده به حالت پیش از حادثه برگردد.

۲. **بیمه شخص ثالث برای حمایت از جان و مال:**

قانون بیمه اجباری شخص ثالث (مصوب ۱۳۹۵) تکلیف را در شرایط عادی روشن کرده است. طبق ماده ۱۷ این قانون، کلیه دارندگان وسایل نقلیه مکلفند مسئولیت مدنی خود را در مقابل اشخاص ثالث بیمه کنند. در شرایط عادی، بیمه‌گر بدون هیچ قید و شرطی موظف به پرداخت خسارات بدنی و مالی به اشخاص ثالث است.

❓ **جنگ قرار داد را تعلیق می‌کند**

این ماده به صراحت بیان می‌دارد: «بیمه‌گر مسئول خسارات ناشی از جنگ و شورش نیست، مگر آنکه خلاف آن در بیمه‌نامه شرط شده باشد.» این ماده قانونی، سنگ‌بنای استثنائات بیمه‌ای در حقوق ایران است. طبق این اصل، حوادث جنگی به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن و تجمع ریسک از تعهدات عمومی شرکت‌های بیمه خارج هستند، یعنی اگر موشکی به خودرو اصابت کند یا ترکش‌های انفجار باعث آسیب شود، بیمه‌گر با استناد به این ماده قانونی از پرداخت خسارت معاف است.

❓ **تفکیک خسارت مستقیم و غیرمستقیم**

یکی از ظرافت‌های حقوقی که در دادگاه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، علت وقوع حادثه است. اگر خودرویی در زمان جنگ، نه بر اثر اصابت مستقیم بمب، بلکه به دلیل تصادف ناشی از هراس راننده در زمان آژیر خطر آسیب ببیند، آیا باز هم ماده ۲۸ حاکم است؟ در اینجا حقوقدانان به علت نزدیک استناد می‌کنند. اگر علت مستقیم حادثه، خطای انسانی راننده باشد، بیمه (حتی در زمان جنگ) موظف به پرداخت است، اما اگر علت، مستقیماً فعل نظامی باشد، بیمه‌گر مسئولیتی نخواهد داشت، مگر اینکه بیمه‌گذار مخصوص جنگ داشته باشد.

❓ **آیا برهه جنگی فورس مازور است؟**

در تحلیل حقوقی، برای اینکه حادثه‌ای «قوه قهریه» تلقی شود، باید سه ویژگی داشته باشد: خارجی بودن، غیر قابل پیش‌بینی بودن و غیر قابل دفع بودن. در قانون بیمه، قانون‌گذار در ماده ۲۸، جنگ را داتا

یک استثنا فرض کرده است، حتی اگر قابل پیش‌بینی باشد. **تضاد:** چالش زمانی ایجاد می‌شود که یک حادثه جنگی، تمام ویژگی‌های فورس مازور را نداشته باشد، مثلاً در مناطق جنگ‌زده که وقوع درگیری قابل پیش‌بینی است. با این حال، قانون بیمه به عنوان یک قانون خاص بر عموماًت قانون مدنی حاکم است. به زبان ساده، شرکت بیمه با تکیه بر ماده ۲۸ قانون بیمه، نیازی به اثبات فورس مازور بودن جنگ ندارد؛ صرف اثبات اینکه خسارت ناشی از عملیات جنگی بوده، برای معافیت بیمه‌گر کافی است. این یک امتیاز قانونی بزرگ برای شرکت‌های بیمه در برابر بیمه‌گذاران است.

❓ **استثنائات صریح در قانون بیمه شخص ثالث**

قانون جدید بیمه شخص ثالث (۱۳۹۵) در ماده ۱۷ خود، تیر خلاص را به پوشش‌های جنگی در بخش مسئولیت مدنی زده است. بنابراین حتی در بیمه اجباری شخص ثالث که قانونی حمایتی است، مقنن ترجیح داده ریسک‌های کلان ناشی از جنگ را از دوش شرکت‌های بیمه بردارد تا از ورشکستگی احتمالی صنعت بیمه در زمان بحران جلوگیری کند.

❓ **پوشش‌های اضافی، راه خروج از بن بست ماده ۲۸**

آیا راهی برای بیمه کردن خودرو در برابر جنگ وجود دارد؟ قانون‌گذار در انتهای ماده ۲۸ عبارت «مگر آنکه خلاف آن در بیمه‌نامه شرط شده باشد» را آورده است. این یعنی آزادی اراده در قراردادها و تنها حالت دریافت خسارت از بیمه خودرو در شرایط جنگی، مالکان خودرو، به‌ویژه در مناطق صرت یا در شرایط بحرانی می‌توانند با پرداخت بیمه مضاعف، پوشش حوادث و اغتشاشات را به بیمه‌نامه بدنه خود اضافه کنند. در این صورت، شرکت بیمه دیگر نمی‌تواند به استناد ماده ۲۸ از پرداخت غرامت خودداری کند.

❓ **تکلیف خودروهای امدادی و آمبولانس‌ها چیست؟**

باشاره به آمار ۳۳۹ واحد درمانی و دهها آمبولانس آسیب‌دیده، باید گفت که این خودروها معمولاً دارای قراردادهای بیمه خاص (بیمه ناوگان دولتی یا نهادهی) هستند. همچنین حمله به خودروی دارای نشان هلال احمر، نقض قانون جنگ است. از نظر قانون داخلی، اگر این خودروها تحت پوشش بیمه جامع با الحاقیه جنگ نباشند، جبران خسارت آنها برعهده دولت متجاوز (در سطح بین‌المللی) یا صندوق‌های حمایتی دولت (در سطح داخلی) خواهد بود.

❓ **اقدامات قانونی پس از وقوع خسارت در شرایط جنگی**

اگر خودروی شما در جنگ آسیب دید، برای حفظ حقوق قانونی خود طبق قانون بیمه باید:

۱. **اعلام کتبی خسارت:** طبق ماده ۱۵ قانون بیمه، بیمه‌گذار موظف است در کوتاه‌ترین زمان (حداکثر پنج روز) وقوع حادثه را به بیمه‌گر اطلاع دهد، حتی اگر می‌داند حادثه جنگی است.

۲. **اثبات نوع حادثه:** برای استفاده از الحاقیه‌های احتمالی، باید تأییدیه مراجع نظامی یا انتظامی مبنی بر علت آسیب دریافت شود.

۳. **تأمین دلیل:** از طریق دادرسی یا شوراهای حل اختلاف، باید وضعیت فعلی خودرو ثبت شود تا در آینده برای دریافت غرامت از دولت یا صندوق‌های خسارات بدنی، مدرک مستدلی وجود داشته باشد.

❓ **سپر بیمه تنها در شرایط عادی کارایی دارد**

قانون بیمه ایران در شرایط عادی، تسریر محکم برای دارایی‌های شهروندان است، اما در زمان جنگ، این قانون با استناد به مواد ۲۸ (قانون عمومی) و ۱۷ (قانون شخص ثالث)، حق عقب‌نشینی را برای شرکت‌های بیمه محفوظ دانسته است. تضاد میان قوه قهریه در قانون مدنی و استثنای جنگ در قانون بیمه، نشان‌دهنده اولویت حفظ ثبات مالی صنعت بیمه بر جبران خسارات فردی در زمان فاجعه است. حتماً سؤال شود که تکلیف خودروها چه می‌شود؛ پاسخ تلخ اما قانونی این است: در جنگ، قراردادهای عادی بیمه سکوت می‌کنند و حقوق عمومی و مسئولیت‌های دولت آغاز می‌شود. آگاهی از این مرزهای قانونی به شما کمک می‌کند تا با دوراندیشی و دریافت پوشش‌های اضافی، ریسک‌های خود را در این دوران پر تلاطم مدیریت کنید.